# نگاهي به فرهنگ سوگواري

## مشخصات كتاب

نگاهي به فرهنگ سوگواري
محمد نوري

## چكيده

اين مقاله به عزاداري به مثابه يك فرهنگ نگاه مي‌كند كه ابعاد مختلفي دارد. البته چون در درون فرهنگ عام‌تر شيعه قرار دارد، خرده فرهنگ محسوب مي‌شود و از نظر دامنه علمي و پوشش عرصه اجتماعي گسترش زيادي دارد؛ تقريباً همه جنبه‌هاي زندگي شيعيان را تحت تأثير قرار داده است.سه بُعد فرهنگي سوگواري مهمّ شناخته شده و به توضيح و تبيين آنها پرداخته است. اين ابعاد عبارت‌اند از: بعد علمي، بُعد هنري و بُعد اجتماعي. در بُعد علمي، آثار اعم از كتاب، مقاله و پايان‌نامه كه در طول تاريخ درباره مصائب اهل بيت عليهم السلام بويژه حادثه طف نوشته شده، بررسي شده است؛ در بُعد هنري، احساسات شيعيان و تبلور آن در مراسم عزاداري و زيبايي‌هاي تعزيه گزارش شده؛ اما در بُعد اجتماعي اوّلاً تأثير قيام امام حسين‌عليه السلام بر جامعه شيعه و ثانياً رسم و رسوم شكل گرفته در سير تاريخي نشان داده شده است. اين ابعاد، زيرساخت‌هاي انديشه‌اي حاكم بر تحليل‌هاي عاشورايي را شكل داده و به پژوهشگران در ارزيابي و نقّادي‌ها ياري مي‌رساند.كليدواژه‌ها: فرهنگ سوگواري، جامعه‌شناسي عزاداري، هيئتِ عزاداري، تأثير عزاداري، نقش تاريخي عزاداري، آداب و رسوم سوگواري، مراسم سوگواري، مآخذ علمي سوگواري.عزاداري، يكي از جنبه‌هاي فرهنگ اسلامي - شيعي را تشكيل مي‌دهد و از مؤلفه‌هاي مهمّ اين فرهنگ است. در زندگي شيعيان به لحاظ صرف وقت و مصرف منابع اقتصادي و انرژي انساني، حجم فراواني به سوگواري اختصاص يافته است. تعطيلات سالانه، برگزاري مراسم اطعام، اهداي نذورات و هدايا و شركت در مراسم، جاي ويژه‌اي در سبد خانوار مسلمان شيعه مذهب دارد.فرهنگ سوگواري مرادف و همسان با فرهنگ حسيني يا فرهنگ عاشورا نيست و قلمرو آن وسيع‌تر و شامل مصائب همه چهارده معصوم عليهم السلام و خاندان رنجكش عصمت و طهارت مي‌شود. زيرا معصومان عليهم السلام شهيد شدند و فرزندان و نوادگان آنها هم. [1] .مهم آن است كه عزاداري تبديل به يك فرهنگ شده كه در درون فرهنگ شيعي جاي گرفته است. از اين نظر، خرده فرهنگ محسوب مي‌شود و تمامي جوانب و پيامدها و آثار ديگر خرده فرهنگ‌ها را دارد. و شامل لايه‌هاي مكتوب، شفاهي، هنري و جديداً الكترونيك است. فرايند فرهنگي شدن سوگواري در بين ايرانيان به سرعت طي شد؛ زيرا ايرانيان با مقوله سوژه‌ها و تراژدي‌هايي مثل مرگ سياوس [2] آشنا بودند. وقتي به واژه «عزا» در كتاب‌هاي لغت‌شناسي و واژه پژوهي فارسي مثل لغت نامه دهخدا مراجعه كنيم، خواهيم يافت كه واژگان متّخذ از «عزا» پر دامنه است. پر دامنگي اين واژگان حكايت از انس و قدمت عزاداري در فرهنگ ايراني است. براي نمونه در لغت نامه دهخدا، واژگان مرتبط به عزا را در ده مدخل بررسي و تحليل كرده است. [3] .زندگي روزانه شيعيان كاملاً با سوگواري، ممزوج شده است و دانشمندان براي تحليل اين وضعيت از سده‌هاي اوّل اسلامي به بعد، كتاب‌ها و رساله‌هاي فراواني در اين زمينه نوشته‌اند. از اين‌رو، كارنامه دانشمندان و نويسندگان مسلمان در حوزه سوگواري حجيم است. علّت توجّه بسيار شيعيان به سوگواري اين است كه سوگواري در صدد تعميم امامت شيعي و اصل تولّي و تبرّي بوده است. به عبارت ديگر، سوگواري همواره روشي براي جذب دل‌ها به سوي آموزه‌هاي شيعه، بويژه با ايجاد فضاي مظلوميت، شيوه‌اي براي توسعه توجيه و آموزش شيعيان و ارتقاي قدرت عقلاني و ازدياد احساس معنوي آنها بوده است. ثانياً در حوزه فرهنگ شفاهي هم، نقش فرهنگي عزاداري قابل توجّه است؛ زيرا برگزاري هزاران مجلس سوگواري همراه با وعظ و خطابه، به عنوان يك نظام و يك دستگاه فراگير آموزشي عمل كرده است.غير از كاركردهاي فردي و فرهنگي عزاداري، بُعد جامعه شناختي آن نيز مهم است. عزاداري به عنوان يك عامل جامعه ساز در بين شيعيان ايفاي نقش كرده است؛ يعني جامعه شيعي را با ساختار خاصّ خودش - كه مثلاً مرجعيت در رأس آن قرار گرفته و داراي روابط اجتماعي خاص است - شكل و سامان داده است. اگر مجالس سوگواري نبود، معلوم نبود شيعيان بتوانند به سان يك جامعه پر قدرت و پر نفوذ در كوران حوادث بنيان افكن و در نظام‌هاي جور و ستم دوام بياورند و حيات خود را ادامه بدهند.در عرصه جامعه‌شناسي سياسي هم، سوگواري كاركرد داشته است؛ زيرا شيعيان را به سياست و مسائل جاري آگاه نموده و مهم‌تر اين‌كه به آنان الگوي رفتاري خاص تلقين كرده است. مثلاً اين تلقي فراگير است كه در گذشته، امام علي عليه السلام يا امام حسين عليه السلام با نظام جبّار، فلان گونه رفتار مي‌كردند و در اين دوره هم، بايد همان طور عمل كرد. بالاخره روابط و مناسبات شيعيان با نظام سياسي، در هر دوره تا حدّ فراواني، تابع القائات سوگواري بوده است.وقتي از منظر انسان شناختي، به عزاداري نظر مي‌افكنيم، مي‌بينيم كمتر دين و آييني مثل اسلام و پس از آن اماميه به انسان احترام مي‌گذارد. متون ديني اسلام، مثل قرآن آدمي را تا خليفه خداوند ارتقا داده است. پس از مرگ آدمي نيز، او را محترم داشته و جهت احترام به او، عزاداري و سوگواري را براي او توصيه كرده است. بويژه اگر انسان متوفّي، شخصيتي استثنايي و فرهيخته باشد، احترام مضاعفي را مطالبه مي‌كند. در بين فرقه‌هاي اسلامي، وهّابيان، پس از فوت افراد، هر چند داراي منزلت عالي باشد، مراسم بسيار ساده‌اي برگزار مي‌كنند؛ ولي بر عكس، اماميه با بزرگداشت او به روش‌هاي گوناگون، مثل مراسم وفات، هفته، چهلم و سال، سنگ قبر، شخص درگذشته را محترم مي‌شمارند.بنابراين عزاداري به مثابه يك فرهنگ داراي سه بُعد اساسي است. همه فرهنگ‌ها كما بيش اين ابعاد را دارند. فرهنگي كه داراي ابعاد متوازن، با تركيب منطقي باشد، كارآمدتر است. اين ابعاد عبارت‌اند از: پژوهش و علميت، هنر و زيباشناسي و جامعه‌شناختي. اين مقاله در صدد بيان و توضيح سطحي و اجمالي اين ابعاد است. اگر بخواهيم به عمق اين ابعاد برويم، بايد ده‌ها عنوان كتاب تأليف كنيم.

## فرهنگ سوگواري

فرهنگ سوگواري، در آينه آثار علمي فراواني كه عرضه شده، به خوبي هويدا است. اين آثار مصائب و رنج و غم اهل بيت‌عليهم السلام و بويژه حزن آنان در حادثه طف و قيام حسيني را به خوبي بيان كرده‌اند. به دليل اين‌كه عزاداري كه در قرون اوّليه اسلام، با مراسم ساده‌اي عملي مي‌شد؛ ولي امروزه بسيار پيچيده شده و ابعاد گسترده و متنوّعي در فرهنگ ديني و ملّي ما پيدا كرده است. از اين رو، مقالات و رساله‌هاي فراواني درباره خود سوگواري نوشته و منتشر شده است. بنابراين در هر دو زمينه يكي مصائب اهل بيت‌عليهم السلام و دوم موضوعات عزاداري، هر ساله آمار انواع آثار، مثل بررسي‌هاي تحليلي، مقالات انتقادي و احياي متون رو به رشد بوده است. البته زمينه اول پيش درآمد و مقدمه موضوع دوم است.البته تاكنون روي خود منابع عزاداري، پژوهش علمي نشده است و جاي انواع تحقيقات در اين زمينه خالي است. ضرورت دارد كه آمار اين منابع با شاخص‌هاي مختلف گزارش شود و تحليل اين آمارها همراه با جمع بندي علمي، عرضه شود. از سوي ديگر، بررسي محتوايي و تاريخي آنها و نيز بررسي از منظر جامعه شناختي اين منابع، مورد نياز است. به هر حال، لازم است با گزارش منابع مكتوب عزاداري و طبقه بندي آنها، كارنامه مكتوب عزاداري تدوين شود.يك تحقيق ضروري اين است كه آمار منابع مكتوبِ درباره عزاداري بر اساس شاخص‌هايي در قالب نمودارهاي متداول در اختيار پژوهشگران، قرار داده شود تا با انتشار آنها، راه براي تحقيقات تحليلي و حتّي بنيادي باز شود.اين شاخص‌ها عبارت‌اند از: مكان و شهر چاپ يا تأليف؛ زمان تأليف يا چاپ؛ جغرافيا و ملّيت نويسنده يا مصحّح؛ دست نوشته و چاپي بودن اثر؛ زبان؛ ترجمه؛ تصحيح و احيا؛ اقتباس و گزيده.به هر حال، پيش درآمد اصلاح فرهنگ سوگواري، همين آمارها است؛ زيرا نشان مي‌دهد در چه عرصه‌هايي كاستي‌ها و خلأ، و در چه زمينه‌هايي كثرت و انبوهي هست و چشمان پژوهشگران را نسبت به ابعاد سوگواري، باز مي‌نمايد.كارنامه علمي سوگواري دو لايه مكتوب و الكترونيك دارد. لايه مكتوب به دليل قدمت و گستردگي بيشتر مورد توجّه است. امّا آثار الكترونيك هم مهمّ و به عنوان يك سوژه قابل بررسي‌اند. اين‌كه كدام لايه و چه موضوعي مقبوليت و روايي بيشتر دارد، قابل بررسي است و رعايت آن به كارآمد شدن اين فرهنگ منجر مي‌شود.1. نويسندگان منابع علمي و مكتوب سوگواري، معمولاً به سوژه‌هاي زير پرداخته و كتاب، مقاله يا پايان نامه‌هايي نوشته‌اند:- روش عزاداري مثل نوحه‌خواني و سينه‌زني؛- زمان‌ها و موسم‌هاي عزاداري مثل دهه محرّم و شام غريبان؛- انواع سوگواري يا روضه‌خواني يا تشكيل مجالس روضه و تعزيه خواني؛- علائم و نمادهاي عزاداري مثل بيرق و روشنايي و لباس؛- مكان‌هاي اجراي عزاداري مثل حسينيه؛- عزاداران مثل جمعيت‌ها و دسته‌ها؛- مراسمي مثل جوش ريختن، نخل‌گرداني، دسته‌هاي عزاداري، سينه‌زني؛- متعلّق عزاداري (شخصي كه براي آن عزاداري مي‌شود) مثل امام حسين و امام علي عليهما السلام.تمامي كتاب‌ها، مقالات و پايان نامه‌هايي كه در حوزه عزاداري نوشته شد، ذيل يكي از محورهاي فوق قرار مي‌گيرد.آثار علمي سوگواري، به عنوان بخش مكتوب فرهنگ سوگواري، نيازمند دسته بندي و طبقه بندي است؛ زيرا بدون طبقه بندي، دستيابي به آنها مشكل است. اين طبقه بندي مي‌تواند به محتواي آنها هم تعميم داده شود؛ يعني با نمايه سازي متن اين آثار، راهنمايي براي مطالب آنها فراهم ساخت.2. محتواي منابع مكتوب يكسان نيست و از نگاه متن‌شناسي مي‌توان گفت آنها به دسته‌هاي زير قابل تقسيم‌اند:- سوگ نامه يا آثاري كه به خودِ عزاداري مي‌پردازند كه آنها را آثار ويژه سوگواري يا آثار مستقل مي‌نامند.- مقتل‌ها يا مصيبت نامه‌ها، كتاب‌هايي كه از قديم تاكنون درباره چگونگي شهادت يا فوت يكي از بزرگان دين، تأليف شده كه اصطلاحاً به آن مقتل گفته‌اند. اين آثار معمولاً حوادث منجر به قتل را توضيح مي‌دهند. به دليل اين‌كه اين آثار، محور عزاداري است و در مراسم عزاداري، اين متون از حفظ يا از روي متن، قرائت مي‌شده است. اگر براي فرهنگ عزاداري، سه لايه مكتوب، شفاهي و نمايشي در نظر بگيريم. مقتل‌ها بخش مكتوب را تشكيل مي‌دهند.- متون ادبي مانند مرثيه‌ها و قصيده‌ها و نوحه‌ها. مقتل‌ها با روش نثر به حوادث منجر به قتل و شهادت تدوين شده‌اند؛ ولي كساني با استفاده از صنعت شعر به بيان مصائب بزرگان دين پرداخته‌اند. اين‌گونه آثار به نام مراثي يا نوحه‌ها، بخش عظيمي از فرهنگ ادبي شيعه را تشكيل مي‌دهند.- تعزيه و آثار نمايشي كه بر اساس تجربه هنري تأليف شده‌اند.- مجموعه سخنراني‌ها كه اصطلاحاً «امالي» و «مجالس» ناميده مي‌شود و مي‌توان آنها را مجلس نامه‌هاي عزاداري هم ناميد.- بررسي‌هاي تحليلي، تاريخي و جامعه شناختي.- نقّادي متون و مراسم عزاداري بويژه روضه‌ها؛ در دوران متأخرّ، كتاب لؤلؤ و مرجان جايگاه ويژه‌اي در نقّادي سوگواري دارد.- ديدگاه‌هاي جديد، از جمله نظرات خاورشناسان.هر كدام از محورهاي فوق، زير شاخه‌هاي فراواني را در بر دارد؛ بنابر اين فرهنگ سوگواري، ده‌ها نمايه دارد كه هر كدام شامل سوژه‌هايي براي پژوهش است.3. از يك نظر، آثار علمي عزاداري كه لايه مكتوب فرهنگ سوگواري را تشكيل مي‌دهد، خود دو جنبه مهم دارد؛ يك دسته آنها احساسي و براي افزايش احساسات تأليف شده است. دسته دوم كتاب‌هاي تحليلي و عقلاني است و براي پرورش عاقله و قدرت تفكّر تدوين شده‌اند.اگر بُعد عاطفي و احساسي در يك فرهنگ، جايگزين ساحت عقلاني و انديشه‌اي گردد، مشكلات فراواني در پي خواهد داشت. زير عنان جامعه به دست قوه ديگري غير از عاقله سپرده مي‌شود. درست برعكس بايد جنبه فكري و عقلاني آثار حسيني زير بنا و زير ساخت ديگر آثار باشد.بُعد عاطفي اين حادثه كه به سرعت جاي خود را در جامعه شيعه باز كرد، گاه چيره و مسلط بر كل جامعه مي‌شود. امّا بايد توجّه داشت كه حادثه عاشورا چند وجهي و همچون منشور، ابعاد مختلف دارد. درست مانند قرآن مجيد كه بطون مختلف دارد و نبايد با تكيه بر بُعد عاطفي آن، در صدد حذف يا كم رنگ كردن ديگر ابعاد از جمله بُعد اجتماعي - سياسي آن بود. عاطفي‌پردازان اعم از نويسندگان يا هنرمندان يا مداحاني كه به جنبه احساسي حادثه طف مي‌پردازند، فقط حضرت و خانواده آن حضرت را در نظر مي‌گيرند. از طرفي اختصاصي كردن حركت امام حسين عليه السلام به خود آن حضرت و عدم تعميم آن نيز، بار سياسي حادثه كربلا را كم كرده و بر برداشت معنوي آن مي‌افزايد.مردم عزادار بيشتر با بُعد عاطفي و احساسي عاشورا و كربلا سر و كار دارند. منابع عزاداري هم قاعدتاً بيشتر عاطفي‌اند؛ ولي برخي منابع تحليلي و استدلالي هم تأليف شده است.درباره امام حسين عليه السلام از دو منظر و با دو هدف نوشته‌اند؛ نوشته‌هاي احساسي كه به منظور تأمين عزاداري مردم و زنده نگاه داشتن شور حسيني در دل‌ها، انجام يافته و دوم نوشته‌هاي تحليلي كه براي آگاهي‌بخشي و كشف حقايق تأليف شده است. مثلاً شهيد جاويد يك اثر تحليلي است. گاه برخي كتاب‌ها دو بُعدي است؛ مثل: حماسه حسيني از مرتضي مطهري كه هم براي بسط آگاهي و هم براي روضه‌خواني تأليف شده است. در طول تاريخ، برداشت‌ها و قرائت‌هاي مختلفي از قيام امام حسين‌عليه السلام عرضه شده است و هر كس تلاش كرده تا قرائتي بر تأييد ديدگاه خود عرضه كند. اين وضعيت نسبت به مصائب ديگر ائمه‌عليهم السلام نيز هست؛ ولي كمترين نكته مهمّ اين است كه هنوز سير تحوّل اين برداشت‌ها و پراكندگي آن، نسبت به متغيّرهاي مختلف تحليل نشده است.4. حجم منابع علمي درباره عزاداري، آن قدر فراوان شده كه پژوهشگران، تأليف كتاب‌شناسي را ضروري ديده‌اند. تاكنون چند عنوان كتاب‌شناسي مستقل و متضمّن درباره عاشورا و امام حسين عليه السلام تأليف و عرضه شده است و در لا به لاي اين كتاب‌شناسي‌ها، گاه آثار عزاداري هم معرّفي شده است. كتاب‌شناسي‌ها و مقاله‌شناسي‌هاي مشهور عبارت‌اند از:- كتاب‌شناسي اختصاصي امام حسين عليه السلام، از حشمت اللَّه صفر علي پور؛ مقاله‌شناسي امام حسين‌عليه السلام، از خانه پژوهش قم؛ كتاب‌شناسي عاشورا، از محمّد حيدري قاسمي، كتاب‌شناسي امام حسين‌عليه السلام، از نجفقلي حبيبي؛ كتاب‌شناسي تاريخي امام حسين‌عليه السلام، اثر محمّد اسفندياري.نيز در كتاب‌شناسي‌هاي ديگر درباره معصومان‌عليهم السلام مثل كتاب‌شناسي اهل بيت‌عليهم السلام تأليف محمّد انصاري، برخي آثار ذكر مصائب آنها هم آمده است.عرضه كتاب‌شناسي در هر موضوع نشانگر انبوهي و كثرت تأليفات در آن زمينه است؛ و فراوان بودن عناوين كتاب‌شناسي‌ها نشانگر زيادي فوق العاده تأليفات و آثار است. سوگواري در فرهنگ شيعي از اين قبيل است و چندين كتاب‌شناسي و مقاله‌شناسي مستقل در اين زمينه وجود دارد. غير از مأخذشناسي‌هاي غير مستقل كه يك فصل يا چند بخش از يك كتاب را تشكيل مي‌دهد. اما تاكنون كتاب‌شناسي مستقل درباره فرهنگ سوگواري و خود عزاداري عرضه نشده است.به هر حال، پژوهش و تأليف و نشر در فرهنگ سوگواري همواره فعال بوده است؛ امّا خود اينها به عنوان يك سوژه كمتر مورد بررسي و تحليل بوده‌اند.

## بعد اجتماعي فرهنگ سوگواري

بعد اجتماعي فرهنگ سوگواري گوياي تأثيرات اين فرهنگ در لايه‌هاي مختلف جامعه شيعي در تاريخ پانزده سده‌اي تشيّع [4] است؛ غير از تأثير آداب و رسوم سوگواري مجالس عزاداري، جمعيت‌هاي عزادار در جامعه‌شناسي اين فرهنگ بررسي مي‌شود.همه جامعه‌ها و فرهنگ‌ها، جشن‌هايي براي شادي و آيين‌هايي براي سوگواري دارند. نويسندگان و پژوهشگران ملل، گاه از اين نگاه به بررسي اين مراسم پرداخته‌اند.جامعه‌شناختي سوگواري در چرخه حوادث و تحوّلات تاريخي پديد آمده است. بنابراين تاريخ عزاداري آينه تمام نماي جامعه‌شناختي اين فرهنگ است. پژوهشگران اندكي به اين بُعد پرداخته‌اند؛ از اين‌رو، منابع مستقل درباره تاريخ سوگواري بسيار كم‌اند؛ البته لا به لاي برخي منابع از نگاه تاريخي به عزاداري پرداخته‌اند. خوشبختانه در منابع كهن تاريخي، گزارش‌هايي هست كه مايه‌هاي سودمندي براي پژوهشگران دارد.اسناد و مدارك، گوياي اين است كه آل بويه اوّلين كساني بودند كه به عزاداري به عنوان يك سنّت عمومي مشروعيت بخشيدند. فقط عبارات يك منبع تاريخي را به عنوان نمونه نقل مي‌كنم:في سنة اثنتين و خمسين و ثلاثمأة، أمر معزّالدوله الناس أن يغلقوا دكا كينهم و يبطّلوا الأسواق و البيع والشراء و أن يظهروا النياحة و يلبسوا قباباً عملوا بالمسبوح و أن يخرج النساء منشرّات الشعور، مسودّات الوجوه قد شققن ثيابهنّ. يدرن في البلد بالنوائح و يلطمن وجوههنّ علي الحسين بن علي رضي اللَّه عنهما. ففعل الناس ذلك و لم يكن للسنة قدرة علي المنع منه لكثرة الشيعة و لان السلطان معهم؛ [5] .در سال 352ق، معزّالدوله به مردم دستور مي‌دهد دكان‌ها را بسته و بازار و كسب و كار را تعطيل كنند. و براي حسين بن علي‌عليه السلام به نوحه‌خواني و پوشيدن لباس مخصوص عزا و آذين سياه بستن بپردازند. نيز زنان با موهاي ژوليده و به‌هم ريخته و سياه كردن صورت و دريدن لباس‌هاي خود، در دسته‌هاي عزاداري شركت مي‌كردند. به هر حال، شهر يك پارچه نوحه و عزا و به سر و صورت كوبيدن بود. مردم اين كارها را انجام مي‌دادند، در حالي كه اهل سنّت قدرت بر منع آنان نداشتند؛ زيرا شيعيان فراوان بودند و سلطان هم با آنها بود.معزّالدوله با وجود در پيش گرفتن آشتي بين فرقه‌هاي مسلمان بويژه شيعه و اهل سنت، همواره بر آداب و رسوم شيعي اصرار داشت و به ترويج مراسم و آداب متعارف شيعيان اقدام مي‌ورزيد. همو با زمينه چيني‌ها و بسترسازي‌هايي كه انجام داد، براي نخستين بار سوگواري عمومي را در روز دهم محرّم سال 352ق / 963م برپا كرد. برگزاري اين مراسم به دستور پادشاه و با استقبال همه شيعيان، حادثه‌اي پر سر و صدا بوده است. زيرا اغلب كتاب‌هاي‌تاريخي به نقل آن پرداخته‌اند؛ و از ميان صدها رخداد مهم تاريخي، اين حادثه را گزارش داده‌اند.يك نكته مهم اين است كه پيش از امر سلطاني معزّالدوله، شيعيان در سطح محدود، در خانه‌ها، و به صورت خصوصي سوگواري برپا مي‌كردند. هر چند همراه با تقيه و گاه كاملاً مخفي بود. اما فرمان معزّالدوله اين وضعيت را شكست و مراسم عمومي عزاداري را رسميت و مشروعيت بخشيد.فرمان معزّالدوله از چند جهت اهمّيت دارد و از منظرهاي مختلف قابل تحليل است. يكي از نگاه جامعه‌شناسي است. زيرا بسياري از آداب و رسوم سوگواري، بعد از اين فرمان مطرح شد و در فرهنگ سوگواري رسوخ كرده و جا افتاد. در خود فرمان معزّالدوله هست كه او امر كرد به بستن مغازه‌ها، تعطيلي كسب و كار و بازار، اظهار يا علني كردن نوحه‌سرايي، لباس مشكي پوشيدن، جامه دريدن، به سر و صورت زدن، آشفته‌سازي گيسوان در زنان و سياه كردن چهره توسّط زنان. از هر كدام از اين بندها، آداب و رسوم ديگري زاييده شد و مجموعه اين رسوم اجتماعي، حجم بسياري را تشكيل مي‌دهد. اين خط مشي در دوره جانشين معزّالدوله يعني عزالدوله هم تداوم يافت و نيز در دوره عضدالدوله جانشين عزالدوله هم ادامه پيدا كرد.كرومر در بين محقّقان جديد، بيش از ديگران به اين خط مشي پرداخته و ابعاد آن را تحليل كرده است. مستندات و مآخذ او كتاب‌هاي قديمي تكمله از همداني، المنتظم از ابن جوزي، البداية والنهاية از ابن كثير است. [6] .عضد الدوله از اميران آل بويه، فرمان‌روايي مسلمان بود و اقدامات و رفتار او تأثير زيادي در رواج سوگواري داشت.مطابق برخي تحقيقات، ظواهر نشانگر شيعه امامي بودن عضدالدوله است؛ زيرا او مرقد امام علي عليه السلام در نجف و بقعه‌اي بر مرقد امام حسين عليه السلام ساخت و به اين طريق، محبّت خود را نسبت به اهل بيت عليهم السلام ابراز كرد. از سوي ديگر عضدالدوله با آگاهي از تنش‌هاي بالقوه انفجار آميز ميان شيعيان و سنّيان - كه ده‌ها سال بود بغداد را دو پاره كرده بود - كوشيد كه اكثريت سنّي را با خود همراه كند. با اين همه، روشن نيست كه او شيعه زيدي بود يا امامي؛ ولي قرائني هست كه حاكي از تعلّق او به مذهب اماميه است. پس از مرگ هم او را در جوار مرقد امام علي عليه السلام در نجف به خاك سپردند. [7] .مورّخان معزّالدوله را اوّلين كسي مي‌دانند كه به راه‌اندازي عزاداري به عنوان يك سنّت رسمي و متداول اهتمام ورزيد.مرثيه‌خواني و عزاداري در دوره صفويه به عنوان يك نهاد، در جامعه ايراني توسعه يافت. هر چند پيش از اين دوره براي سوگواري مراسمي وجود داشت؛ ولي به دلايل مختلف، صفويان سوگواري بر ائمه‌عليهم السلام و بزرگان دين را تحكيم و توسعه دادند.در اين‌كه آداب و رسوم سوگواري در دوره صفويه ارتقا و توسعه يافت، شكي نيست و چگونگي اين رشد و توسعه و نيز آميخته شدن آن به برخي آداب ديگر، جاي بررسي فراوان دارد. شاهان صفوي بويژه شاه عبّاس به برپايي مراسم و اجراي رسوم اهمّيت مي‌دادند. از سوي ديگر، رشد فرهنگ قهوه‌خانه و بسط نوازندگي و آوازخواني و موسيقي بي‌تأثير بر آداب و رسوم اجتماعي سوگواري نبود. لذا در همين دوره مشاهده مي‌شود كه نوحه خواني همراه با آلات موسيقي يا همراه با آواز برگزار مي‌شده است.به همين دليل گاه مراسم سوگواري با مناهي آلوده مي‌شد و مخالفت فقيهان را برمي‌انگيخت. همچنان كه در دوره كنوني نيز اين وضعيت وجود دارد. [8] .به هر حال اهتمام دولت صفوي به جشن‌ها و اعياد و آيين‌هاي اندوهناك موجب رشد و توسعه بُعد اجتماعي فرهنگ سوگواري شد. ولي فضا و جوّ حاكم بر جامعه ايراني در آن دوره، عناصر مذمومي را به درون فرهنگ سوگواري رسوخ داد.از ميان رسم‌هاي مختلف در عهد صفوي براي برپا داشتن عزاي اهل بيت عليهم السلام، برپايي مجلس‌هاي روضه‌خواني و وعظ و تذكير [9] براي اوّلين بار مطرح شد.در مراسم عزاداري، نمادهايي مثل عَلَم، بيرق، مشكي پوشي و ده‌ها گونه از اين موارد وجود دارد كه به شعائر حسيني معروف شده است. [10] سمبل‌هايي مثل عَلَم، گاه با نقدهاي تند مواجه شده و آن را برگرفته از مسيحيت و صليب عيسوي دانسته‌اند. اما هنوز پژوهش‌هاي دقيق و منسجم با روش‌هاي علمي درباره جوانب گوناگون جامعه‌شناسي اين فرهنگ عرضه نشده است.در بين آيين‌هاي عزاداري، قمه‌زني در دوره جديد بيش از ديگر موارد، توجّهات را معطوف خود كرده است. مخالفان از جمله نيروهاي دولتي، نيرو و انرژي‌هاي زيادي صرف جلوگيري كرده‌اند ولي هر سال شاهد رشد و توسعه آن هستيم. [11] .1. در فصل پيش، به شكل‌گيري سوگواري در تاريخ شيعه پرداختيم و اين فصل به تأثير سوگواري در جامعه شيعه مي‌پردازد. تأثير اجتماعي سوگواري مورد بررسي و تحليل بوده ولي كتاب‌ها و مقالات اندكي به روش علمي و با تكيه بر طرح عالمانه به اين موضوع پرداخته‌اند. اغلب پژوهشگراني كه از اين زاويه به بررسي پرداخته‌اند، نقش قيام حسيني در مقولات سياسي را مدّ نظر قرار داده‌اند. و كمتر بر مثلاً تأثير اين فرهنگ بر ايمان ديني مردم يا معنويت جوانان يا دين‌گرايي زنان پرداخته‌اند.قيام حسيني به اقرار فلاسفه و متفكّران سياست در طول تاريخ در جنبش‌ها و قيام‌ها مؤثّر بوده است. عاشورا به اقرار پژوهشگران اجتماعي، در عدالت‌طلبي جوامع تأثير گذاشته است. حادثه طف به زعم دانشمندان اخلاق در خلق و خوي مردم نسل‌هاي مختلف مؤثر بوده است.شعله حقّانيت سيّدالشهدا عليه السلام اوّل از دل همان‌ها كه او را كشتند سر زد و خودشان متأثّر شده، حتّي گريه مي‌كردند. در تاريخ طبري آمده است: هنگام شهادت امام حسين عليه السلام عمر بن سعد نزديك آن حضرت آمد. زينب خواهر سيّدالشهدا در خيمه‌اش ايستاده بود. به عمر بن سعد گفت: تو چه مي‌كني كه ابو عبداللَّه را كشتند. اشك‌هاي عمر بر چهره‌اش جاري شد و صورت خود را برگرداند. در نفس المهموم از حميد بن مسلم نقل مي‌كند: هنگامي كه سپاهيان عمر بن سعد براي غارت خيمه‌هاي امام حسين عليه السلام ريختند. زني از بكر بن وائل كه با شوهرش در اصحاب عمر بن سعد بود، منقلب شد؛ شمشيري برداشت و به طرف خيمه‌ها دويد و فرياد زد: اي آل بكر بن وائل شما ايستاده‌ايد كه سرا پرده دختران پيغمبر را غارت كنند! حكم از آنِ خداست. كو كساني كه به خوانخواهي پيغمبر برخيزند؟ شوهرش او را گرفت و به چادر خودش برگرداند و در آن‌جا نگهش داشت؛ ولي شور عظيمي در لشكريان افتاد. طبري مي‌نويسد: مردم به سنان بن انس گفتند: تو حسين بن علي پسر فاطمه دختر پيغمبر را كشته‌اي كه از همه مسلمان‌ها بزرگ‌تر است و آمده بود كه مملكت را از اينها بگيرد. حال برو پيش اميران خود پاداش فراوان بگير كه اگر تمام خزانه‌هاي خودشان را در برابر اين خدمت به تو بدهند، باز كم داده‌اند. سنان هم نزد عمر بن سعد رفت و گفت: تا ركاب من طلا و نقره بريز كه من پادشاه بزرگي را كشته‌ام. كسي را كشتم كه از حيث شخصيّتِ پدر و مادر از همه مردم بزرگ‌تر و بهتر بود. ابن سعد گفت: ساكت شو؛ مگر ديوانه شده‌اي! آن‌گاه او را پيش خواند و با پشت شمشيري كه در دست داشت، محكم بر او زد و گفت: ديوانه، اگر پيش ابن زياد اين طور حرف بزني، گردنت را مي‌زند. [12] .تأثيرات اجتماعي حادثه كربلا و تأثير عمومي سوگواري در فرد و جامعه شيعي از مسائل مهمّ فرهنگ سوگواري است. كارآمدي فرهنگ، همواره مورد توجّه مدافعان بوده است. كارآمدي فرهنگ سوگواري نيز بايد مورد توجّه نخبگان شيعه باشد؛ اوّلاً اين كارآمدي را ارتقا بدهند و بالا ببرند؛ كار دوم اين‌كه عناصر مخل به كارآمدي را شناسايي و از گردونه فرهنگ حذف نمايند. در اين صورت فرهنگ سوگواري از مؤثّرترين و كارآمدترين فرهنگ‌ها خواهد شد.

## بعد هنري فرهنگ سوگواري

يك جنبه فرهنگ سوگواري، بُعد هنري آن است. هنرمندان از رشته‌هاي مختلف در اين عرصه كوشيده‌اند. شاعران با سرودن اشعار پر احساس كه تا بن قلوب شنوندگان نفوذ مي‌كند، خدمت‌گذار اين فرهنگ بوده‌اند. نوحه‌سرايان با صداي حزن‌آلود و پر از فنون و لطايف هنري مستمعان را با درد و غم كربلائيان آشنا ساخته‌اند. نقاشان با خلق تابلوها يا پرده‌هاي زيباي حادثه كربلا در روز عاشورا با ظرافت، زواياي اين حادثه را به نمايش گذاشته‌اند. تعزيه خوانان كه با استفاده از هنرورزي‌هاي حرفه‌اي نقش‌هاي علي اكبر عليه السلام، زينب عليها السلام، حضرت ابوالفضل عليه السلام و ديگر جان‌باختگان عاشورا را بازي كرده‌اند.همه اين هنرورزي‌ها و خلاقيت‌ها تكميل كننده بُعد هنري فرهنگ سوگواري است. هنر سوگواري گستره‌اي وسيع دارد و تقريباً همه انواع هنرهاي مهم در عرصه عزاداري به كار گرفته شده است تا عمق مظلوميت خاندان اهل بيت‌عليهم السلام بويژه امام حسين‌عليه السلام و نيز لطافت معنوي آن بزرگواران را نشان دهد. آرايه‌هاي لفظي كه جزء هنر بياني است، در نثر و شعر عزاداري به كار گرفته شده است. فنون تئاتر و صحنه‌پردازي در تعزيه هست و تجارب نقاشي در پرده‌ها و عكس‌هاي صحنه‌هاي غم‌بار مثلاً عاشورا تجلّي يافته است.1. نسبت به بخش‌هاي فرهنگ سوگواري مثل تعزيه، مجالس روضه‌خواني متداول‌تر است. خود اين مجالس از رسوم اجتماعي است كه در سده‌هاي اوّل اسلامي شكل گرفت و در شمار بُعد اجتماعي فرهنگ سوگواري است. ولي در اين مجالس، كارهايي انجام مي‌پذيرد كه به نوعي هنري است. روضه‌خوانان با استفاده از فنّ خطابه و به كار گرفتن هنرورزي‌هاي خطابي، مخاطبان را با حادثه كربلا آشنا مي‌سازند.مجلس‌هاي روضه‌خواني كه از دوره صفويه رواج يافت و در شمار مراسم مكرّر شيعيان در آمده، نام خود را از كتاب معروف كمال الدين حسين بن علي كاشفي سبزواري (م910 ق) روضة الشهداء گرفته است كه به سال 908 ق، يك سال بعد از اعلام پادشاهي اسماعيل پسر سلطان حيدر صفوي در تبريز، نوشته شد. اين كتاب فارسي، در ذكر مصيبت اهل بيت‌عليهم السلام و واقعه كربلاست، و رسم بر آن بود كه روضه‌خوان - يعني خواننده همين كتاب، آن را در مجلسي كه عزاداران واقعه كربلا فراهم مي‌آوردند -، مي‌خواند و ديگران مي‌شنيدند و مي‌گريستند. پس اين‌گونه محفل‌ها را مجلس روضه‌خواني نام نهادند. كتاب روضة الشهداء به سبب شهرتي كه يافت دو بار به تركي ترجمه شد، يك بار به دست فضولي بغدادي (970 ق) و بار ديگر به همّت جامي قيصري. [13] پيداست كه روضه‌خوانان اندك اندك از مرحله خواندن يا از بر خواندن كتاب ياد شده پيش‌تر رفته و به اختلاف طبقات از كتاب‌ها و دانسته‌هاي ديگر مذهبي بهره برگرفتند و مجلس‌ها را به سخنان تازه و به شعرهاي مناسب مقام آراستند. گذشته از اين، در همين مجلس‌ها هم اشعاري كه از قديم به همّت شاعران شيعي مذهب در منقبت يا مصيبت اهل بيت عليهم السلام سروده شده بود، توسّط منقبت خوانان يا مدح گويان يا مصيبت‌خوانان، با لحن تأثّر انگيزي خوانده مي‌شد و مردم بر آن خوانده‌ها و سروده‌هاي حزن‌آور مي‌گريستند. اين رسم هنوز در ايران متداول است.در اين مجلس‌هاي عزاي اهل بيت‌عليهم السلام و شهيدان كربلا از روزگاران پيشين، چنين معمول بود كه يكي مي‌گفت و ديگران مي‌گريستند و هر دو كار خود، يعني گرياندن و گريستن را وسيله‌اي قاطع براي كسب درجات بلند اخروي مي‌شمردند و هنوز نيز چنين است. در قصيده‌اي از سيف الدين محمّد فرغاني شاعر بلند پايه قرن هفتم و هشتم قمري اين بيت زيرين گوياي همين نكته است:در گريه سخن نكو نيايد من مي‌گويم شما بگرييدتشكيل مجلس‌هاي مذهبي ديگري از دوران صفوي در ايران معمول شد كه شيعيان در آن حضور مي‌يافتند و به همراه يكي از روحانيان دعا مي‌خواندند و از كتاب‌هاي متعدّد ادعيه و اذكار استفاده مي‌كردند. اين مجلس‌ها در ليالي متبركه بويژه در شب‌هاي احيا در ماه رمضان تشكيل مي‌شد. كسي كه در اشاعه اين رسم در عهد صفوي بسيار كوشيد، محقّق ثاني علي بن حسين عبد العالي كُرْكي معاصر شاه تهماسب است. عالمان سنّي، او را مخترع مذهب شيعه لقب دادند؛ زيرا بسياري از سنّت‌ها را به دعوي آن‌كه نايب امام‌عليه السلام است، گذارد. از آن جمله در اقامت جمعات و جماعات سعي بسيار به كار برد و شيوه‌اي كه او در اين راه داشت تا پايان عهد صفوي، جاري بود و آخرين كس از عالمان دين آن دوره كه در اين باب بسيار مي‌كوشيد ملّا محمّد باقر مجلسي (م 110 ق) معاصر شاه سليمان و شاه سلطان حسين بود. وي در ايام و ليالي سوگواري هزاران تن را به عبادات و احيا و عزاداري گرد مي‌آورد و به خواندن دعا مشغول مي‌شدند. [14] .بدين‌سان مجالس روضه‌خواني و محافل سوگواري در دوره صفويه كامل‌تر شد و هم از نظر علمي و هم اجتماعي تكميل گرديد. البتّه در دوره قاجاريه و بعداً جمهوري اسلامي روند تكامل با شتاب بيشتري طي شد.«مجالس روضه‌خواني» يا «جلسات سوگواري» پديده‌اي است كه خود، ابعاد مختلف دارد و از منظر جامعه‌شناسي نهادي با آيين‌ها و آداب گوناگون است. از اين نظر، جامعه‌شناسان بايد به بررسي آن بپردازند. از نظر خود مكان تكيه يا حسينيه و ظرافت‌هايي كه دارد، مربوط به هنر معماري هنرهاي اسليمي است. اما اين مجالس از حيث خطابه و قرائت نثرهاي اديبانه هم، مشحون از آرايه‌ها و زيبايي‌هاي هنري است. به همين دليل، اغلب كتاب‌هاي مقتل از متون ادبي محسوب مي‌شود.2. اگر بُعد هنري و ادبي را از عزاداري حذف كنيم، رمقي براي اين فرهنگ باقي نخواهد ماند. آنچه موجب پويايي، بسط و تداوم اين فرهنگ شده، مجهز بوده آن به انواع آرايه‌هاي اديبانه است.منابع مكتوب عزاداري، به صورت شعر يا نظم است و آنها را مرثيه يا نوحه ناميده‌اند. مرثيه، نوعي ادبيات منظوم و شعر است كه براي بيان مصائب و ناراحتي‌ها به كار مي‌رود. حكمت و اندرز، مدح، غزل و حكايت و قصيده، گونه‌هاي ديگر شعر است. چند بحث در مرثيه هست؛ يكي تاريخ آن و دوم انواع آن است. براي اشعار و منابع شعري درباره امام حسين‌عليه السلام و عزاداري را در دو بخش ادبيات عرب و ادبيات فارسي پي مي‌گيريم.شاعران با استفاده از ظرايف شعري و صفت‌ها و فنون هنر شعر توانسته‌اند در عزاداري حال و هواي معنوي و احساسي بدمند و تأثير آن را مضاعف ساخته؛ و ماندگاري آن را ابدي سازند. نيز متصدّيان عزاداري بسيار راغب‌اند كه از نوحه و مرثيه استفاده كنند و مجالس خود را گرم سازند. به هر حال مرثيه و نوحه با عزاداري لازم و ملزوم شده‌اند. اين وضع از قديم تا امروز وجود داشته و دارد و صدها عنوان كتاب در اين زمينه تأليف و عرضه شده است. اين آثار دو گونه‌اند: يكي ديوان‌هاي شعري و دوم تحليل‌هاي درباره. نيز از نظر زبان هم قابل تقسيم‌اند.پس از شهادت امام علي‌عليه السلام و امام حسين‌عليه السلام، شاعراني عرب در سوگواري آن بزرگواران از قرن اوّل قمري سروده‌هايي عرضه كرده‌اند. فرزدق، كميت، دعبل، ابوتماح، سيّد حميري و مهيار ديلمي، سيّد رضي و ابوتمام از جمله كساني بودند كه شعر سوگوارانه را گسترش دادند. مثلاً ابو الاسود (م69ق) كه از دوستداران امام علي‌عليه السلام و فرزند او بود.سيد حسن صدر يافعي در مرآت الجنان نقل مي‌كند كه: ابوالاسود، از بزرگان و اعيان تابعين و جزء ياران اميرالمؤمنين علي بن ابي طالب‌عليه السلام بود و در نبرد صفّين شركت كرد. وي از كامل‌ترين و زبده‌ترين ياران امام بود. در رأي و خرد مشهور و نخستين كسي است كه به راهنمايي امام‌عليه السلام، علم نحو را تدوين كرد. [15] .نويسندگان در كتاب‌ها و مقالات مختلف به گزارش مرثيه پرداخته‌اند. اين آثار متنوع‌اند و برخي مستقلاً به مرثيه پرداخته و برخي در لابه لاي مباحث به مرثيه هم پرداخته‌اند. مثل: ادبيات انقلاب در شيعه از صادق آيينه‌وند؛ ديوان ابوالاسود.3. نثر و شعر فارسي در عرصه سوگواري قابل توجه است؛ از قرن هفتم و هشتم اشعاري سروده شد كه مملو از آرايه‌هاي هنري و ظرافت‌هاي جذاب بود. در ميان شاعران عدّه‌اي، مرثيه‌ها و نوحه‌هايي را متداول كردند كه با خواندن آنها در مجالس، دل‌ها را محزون مي‌ساخت. در بين سرايندگان مسلمان اين موضوع بيشتر مقصور به ذكر مناقب اهل بيت و يا مراثي آنان بود.نام عده‌اي از شاعران اين عهد اعم از سنّي يا شيعه كه داراي مراثي براي اهل بيت‌عليهم السلام‌اند، اين‌گونه است: سيف الدين محمّد فرغاني كه سنّي حنفي بود؛ ولي در ديوان او قصيده مؤثري است درباره واقعه كربلا و دعوت خلق به ندبه و گريه و عزاداري «كشته كربلا» و «فرزند رسول» و «گوهر مرتضي» و او مدّعي است كه گريه در اين ماتم، مايه «نزول غيث رحمت» و زدودن غبار «كدورت» از دل‌هاست. به هر حال از شاعراني كه در ذكر مناقب پيامبرصلي الله عليه وآله و خاندان او و يا در رثاي آنان، اشعاري سروده‌اند. در اين دوره كساني مانند امامي هروي، فخرالدين عراقي، سيف‌الدين فرغاني، سلمان ساوجي، خواجوي كرماني، سعيد هروي، ابن نصوح، حسن متكلّم، حسن كاشي، معين جويني، كه در ضمن آثار آنان قصايدي در ذكر مناقب يا مراثي اهل بيت‌عليهم السلام ديده مي‌شود.مولانا سيف الدين ابو الحامد محمّد الفرغاني از شاعران استاد در قرن هفتم و هشتم قمري است كه با مرتبه بلند خود در شعر به سبب انقطاع از عالم و گوشه‌گيري از دنيا و امتناع از مدح امراي ظالم و فاسد زمان در يكي از خانقاه‌هاي شهر كوچك «آقسرا» به گمنامي درگذشت. و در عين حال او در زمره قديمي‌ترين سخنوراني است كه در مرثيه شهيدان كربلا شعر گفته و خلق را به اقامه مراسم تعزيه «كشته كربلا» و «گوهر مرتضي» و «فرزند رسول»، و زاري و ندبه «در اين عزا» دعوت كرده است.نمونه‌هايي از منابع در فارسي كه به مرثيه مي‌پردازند، عبارت‌اند از:سيري در مرثيه عاشورايي؛ در عزايت آسمان نيلي قباست، نوشته مهدي الماسي؛ غوغاي ملكوت، گردآوري محسن حافظي؛ مرثيه دلتنگي، نوشته محمّد مهدي بهداروند؛ مرثيه عاشورا از حسين جلالي.4. عزاداري به مثابه يك فرهنگ داراي ابعاد كتبي و نوشتاري، شفاهي و بالاخره نمايشي است. منظور از عزاداري نمايشي، بيان مصائب اهل بيت‌عليهم السلام با زبان هنر و به صحنه درآوردن آنها است. دومين جنبه تعزيه، تأثير روي مخاطبان است. همان‌گونه كه روضه‌خوان با كلام، مخاطبان را تحت تأثير قرار مي‌دهد و به آنها آگاهي و در عين حال احساسات مي‌بخشد. تعزيه‌گردان هم مي‌خواهد به مخاطبان بفهماند چه حوادثي روي داده است و مخاطبان را محزون و سوگوار سازد. به دليل ظرفيت‌هاي زيباشناسي در شبيه‌خواني تأثير آن هم زياد ارزيابي شده است. [16] .بنابراين تعزيه يك بخش مهم از هنر سوگواري است. و اين‌كه عزاداري نمايشي تا چه حدّ مؤثر بوده است، هنوز بررسي جدّي نشده است. [17] .نمايش و نمايش‌نامه‌نويسي، به مفهوم اروپايي آن، در ايران سابقه نداشت و از مدت‌ها پيش، فنّ نمايش منحصر به شبيه‌خواني، يا به اصطلاح عامه تعزيه‌خواني، عبارت از مجسم كردن و نمايش دادن شهادت جانسوز امام حسين‌عليه السلام و ياران آن بزرگوار يا يكي از حوادث مربوط به واقعه كربلا بود. اين تراژدي‌هاي مذهبي، شباهت فراواني به نمايش‌هاي ديني [18] يا اخلاقي [19] داشت كه در قرون وسطي در اروپا نمايش داده مي‌شد.تعزيه و شبيه‌خواني ظاهراً در ايران ريشه قديمي‌تري دارد. ديلميان، كه از پادشاهان ايران و شيعي مذهب بودند، مظالم خلفا و داستان جان‌گداز كربلا را به صورت شبيه، مجسّم مي‌ساختند. اما اين نمايش‌ها صامت بود و افراد نمايش با لباس مناسب سواره و پياده خودنمايي مي‌كردند تا آن‌كه بعدها تعزيه‌خواني همراه شعر و آواز، كه در واقع يك نوع ملودرام [20] بود، متداول گرديد. شبيه‌خواني ناطق ظاهراً در دوره ناصرالدين شاه در ايران معمول شد، يا اگر قبلاً چيزي از آن قبيل بود، در دوره سلطنت ناصرالدين شاه رونقي به‌سزا يافت و شبيه‌خوان‌هاي زبردستي مانند ملّا حسين اخوان، جهانگير مسلم خوان پيدا شدند.دلايل و عوامل مختلف موجب شده كه تعزيه به عنوان يك هنر ايراني و شيعي توجّهات بسياري از محقّقان داخلي و خارجي را مجذوب خود كند. از اين‌رو، بيش از يكصد عنوان اثر پژوهشي آكادميك به زبان‌هاي اروپايي هم اكنون در دست است. و كتاب‌هايي مثل تعزيه بومي ايران از چلكووسكي از منابع مرجع در اين زمينه است. ابعاد مختلف تعزيه مثل متون تعزيه‌نامه‌ها، [21] فنون تئاتر در تعزيه، [22] .حتّي وقف [23] ابزار و ادوات تعزيه مورد پژوهش‌هاي مهمّي قرار گرفته است.5. هنر سوگواري در بيان، در نمايش، در موسيقي، در نمادهاي پارچه‌اي و فلزي تبلور دارد. امّا يك جنبه ديگر از هنر سوگواري، ظرافت‌هاي هنري موجود در مكان‌هاي عزاداري مثل تكايا، حسينيه‌ها و مساجد است. اين مكان‌ها از حيث اين‌كه نهادهايي براي سوگواري‌اند، در جامعه‌شناسي عزاداري بررسي شده است. [24] ولي از نظر اين‌كه هنرمندان روي در و ديوار، گنبد و گل‌دسته اين جاها كار كرده‌اند، يك مقوله هنري محسوب مي‌شوند.امّا به راه انداختن دسته‌هاي عزاداري - كه در حال عبور از گذرگاه‌ها نوحه‌خواني مي‌كنند و خود را مي‌زنند و يا گاه بر اثر جوشش و غليان احساسات، به خود آسيب مي‌رساند. از دوران غلبه آل بويه بر بغداد آغاز شد و به تدريج در دوره‌هاي بعد از آن، توسعه پذيرفت و در عهد صفوي با مبالغه بسيار و تشريفاتي كه هنوز هم در بعضي شهرستان‌هاي ايران باقي است، همراه گشت.اين دسته‌ها از نظر اين‌كه مراسم‌اند و آداب و رسوم و نمادهاي ويژه دارند جزء بُعد اجتماعي فرهنگ سوگواري‌اند. اما از نظر اين‌كه نوحه‌خوانان، مرثيه‌سرايان، طبّال‌ها و نوازندگان در آن هنرنمايي مي‌كنند، در بخش هنر بررسي مي‌شود. اغلب عَلَم‌هايي كه در پيش دسته‌ها حمل مي‌شود، داراي ظرافت‌هاي هنري فراواني است و هنرمندان مستظرفه از رشته‌هاي مختلف روي آنها كار كرده‌اند.پايانپايان‌بخش اين مقاله، تأكيد بر ضرورت سامان دادن به فرهنگ سوگواري، به عنوان پيش زمينه رفع مشكلات و نابساماني‌ها در اين حوزه است. به عبارت ديگر، فرهنگ سوگواري مجموعه‌اي از مآخذ علمي، باورها و آداب و رسوم است و تنها با اصلاح آنها، مراسم عزاداري و روضه‌خواني‌ها اصلاح خواهد شد.حركت‌هاي اصلاحي در عرصه سوگواري همواره با ناكامي مواجه بوده است؛ علت مهمّ آن، نپرداختن به سوگواري به‌عنوان يك فرهنگ است. تنها با كلي نگري و طرح مسائل در فضاي بازِ اين فرهنگ است كه مشكلات هويدا مي‌شود. آن‌گاه با بررسي روابط و پيوندهاي شبكه‌اي مي‌توان به كارشناسي‌هاي دقيقي رسيد.فرهيختگان شيعه بايد از اين منبع فيض يعني فرهنگ سوگواري به خوبي بهره گيرند. شايد هيچ ملّتي در جهان از چنين امكاني بهره‌مند نباشد. اين امكان به‌گونه‌اي است كه جامعه شيعه را يك‌پارچه حركت مي‌دهد، و موجب وحدت ملي، شور و حركت، معنويت و ايمان مي‌گردد. در مقابل اگر اين فرهنگ از درون، تهي و تحريف گردد، آن‌گاه پيام‌هاي آن تأثير منفي خواهد داشت و موجب ذلت و تخدير جامعه شيعه مي‌گردد. به همين دليل وظيفه دلسوزان شيعه سنگين است كه نگذارند كساني مغرضانه يا ناآگاهانه به تحريف عاشورا دست يازند.

## پاورقي

[1] غير از كتاب‌هايي كه در مصيبت امام حسين عليه السلام نوشته شده، آثار فراواني در مصائب و شهادت حضرت زينب‌عليها السلام، حضرت فاطمه عليها السلام، امام حسن عليه السلام، امام زين العابدين عليه السلام و حتّي زيد بن علي عليه السلام تأليف شده است.
[2] ريشه‌هاي فكري ايرانيان در فرهنگ سوگواري حتّي توجه خاورشناسان و جهانگردان غربي را به خود جلب كرده است. براي نمونه در سفرنامه تاورينه (ج 4، ص 416 - 410) اين مطلب به چشم مي‌خورد. در گزارش هنريش آلماني نيز هست (ص 228 - 217). او عزاداري در ايران در دوره ناصري را با توجه به ريشه‌هاي تاريخي آن گزارش مي‌دهد. آقاي رسول جعفريان در مقاله «سوگواري محرم در سفرنامه‌هاي خارجي» گزارش‌هاي جهانگردان خارجي‌ها را بررسي كرده است.
[3] لغت نامه دهخدا، ج 10، ص 15857 - 15855.
[4] مورخان برداشت‌هاي مختلفي از حادثه كربلا عرضه كرده‌اند. نيز اين‌كه آيا همه اين قرائت‌ها صحيح است و هر كدام گوشه‌اي از حقيقت را نشان مي‌دهد يا همه باطل و يك برداشت صحيح است، اختلاف است. گاه برخي برداشت‌ها با نقدهاي تندي مواجه شده است مثل مقاله آقاي حضرتي در نقد ديدگاه ابن خلدون. اين برداشت‌ها در مجموع گوياي شكل‌گيري و تحوّلات فرهنگ عاشورا و فرهنگ سوگواري‌اند.
[5] الكامل، ابن اثير، ج 8، ص 549.
[6] احياي فرهنگي در عهد آل بويه، كرومر، ص 379.
[7] همان، ص 81 - 80 و 379 - 378.
[8] نگاه كنيد به جامع الشتات از محمّد باقر رشاد، ص 80 - 4؛ نيز حسين رجبي در كتاب پاسخ به شبهات ديدگاه‌هاي مختلف درباره هر كدام از موضوعات سوگواري را بررسي كرده است. مهم‌ترين كتاب آقاي رباني خلخالي است كه جامع نظرات و فتاواي فقهي است.
[9] خود مجالس و محفل‌هاي سوگواري مشتمل بر سنت‌ها و آداب و رسوم فراواني است كه هر كدام بررسي دامنه‌داري را مي‌طلبد. برخي از اين بررسي‌ها توسّط آقاي معتمدي در كتاب عزاداري در بيوت علما انجام يافته است. [
[10] ذكاوتي قراگزلو در مقاله پيشينه‌شناسي آيين‌ها و شعائري مثل گِل ماليدن بر بدن، كشكول سقايي، زنجيرزني، سينه‌زني و قمه‌زني و مواردي از اين قبيل را توضيح داده است.
[11] هنوز پژوهش جدي درباره ابعاد قمه‌زني ارائه نشده است. مثلاً آمار و تحليل آماري عرضه نشده؛ مثلاً تحقيق ميداني انجام نشده است. البته در كتاب‌ها يا مقالاتي بر برخي پيامدهاي اجتماعي يا انعكاس‌هاي خارجي يا احكام فقهي آن پرداخته‌اند ولي كافي نيست. به هر حال قمه‌زني يكي از مسائل مهم در فرهنگ عمومي ايرانيان معاصر است و ابعاد پيچيده فراواني دارد. از باب نمونه آقاي ذكاوتي در مقاله «پيشينه‌شناسي» بر قمه‌زني پرداخته است.
[12] تاريخ طبري، ج 3، ص 70 - 60؛ سخنراني‌هاي راشد، ج 2، ص 363 - 362.
[13] پس از روضة الشهداء، عالمان بسياري به تأليف كتاب در اين زمينه پرداختند. جمع‌آوري اطّلاعات اين‌گونه آثار، موجب پيدايش فهرست‌واره قطوري خواهد شد. مثلاً مواعظ شوشتري شامل سخنراني‌هاي آيت اللَّه شوشتري، چاپ شده است.
[14] تاريخ ادبيات در ايران، ذبيح اللَّه صفا، ج 5، ص 89 - 83.
[15] تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام، ص 44.
[16] ر. ك: نگرشي بر جنبه‌هاي زيبايي‌شناختي هنر شبيه‌خواني.
[17] بعضي از پژوهشگران در كارآمدي برخي تعزيه‌ها تشكيك كرده‌اند و آنها را مخرب دانسته‌اند ر. ك: نگرش نقد گونه بر تعزيه؛ كند و كاوي در نسخه‌هاي تعزيه.
[18] Mystery.
[19] Morality.
[20] Melodrama.
[21] تعزيه حر در كتاب تعزيه حر بن يزيد رياحي.
[22] مثل كتاب تئاتر ايراني از فرخ غفاري؛ و كتاب تعزيه از صادق همايوني سودمندي‌هاي زيادي دارد.
[23] ر. ك: به مقاله وقف و سوگواري از آقاي عناصري.
[24] امكنه سوگواري در تاريخ تحولاتي داشته است. به هر حال جنبه تاريخي اين اماكن در كتاب‌هايي مثل تاريخ تكايا از مهدي عباسي بررسي شده است.